

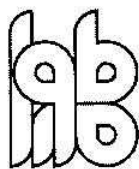
برای مشاعره



گردآورندگان

فربیا حمزه

مستحق فرج الهی



انتشارات مهورا

۱۳۹۵

سرشناسه	: حمزه، فریبا، ۱۳۶۴
عنوان و نام پدیدآور	: برای مشاعره / فریبا حمزه، مسعود فرج‌الهی
مشخصات نشر	: تهران، طهورا، ۱۳۹۵
مشخصات ظاهری	: ۲۲۶ ص
شابک	ISBN:978-600- 7733-17-2
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیبا
موضوع	: مشاعره
موضوع	: شعر فارسی - مجموعه‌ها
شماره افزوده	: فرج‌الهی، مسعود، ۱۳۶۰
رده -ی کنگره	: ۱۳۹۵ ب ۴ / ۸ PIR۴۰۸۳
رده‌بندی دیوید	: ۸ / ۱ / ۰۰۸
شماره کتاب‌شناسی ملی	: ۴۲۱۴۱۸۲



انتشارات طهورا

برای مشاعره

گردآورندگان:

فریبا حمزه، مسعود فرج‌الهی

تهران: انتشارات طهورا، تلفن: ۰۲۱-۶۶۵۲۶۱۷۰

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه، چاپ اول ۱۳۹۵

آمور رایانه‌ای: سهیمه اسدزاده - فریده فرج‌الهی

طرح جلد: یاسر دلفان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۷۳۳-۱۷-۲

بها: ۱۲۰۰۰۰ ریال

فهرست

صفحه	عنوان
۷	پیش‌گفتار
۱۱	قدمه
۱۹	الف
۲۷	ب
۳۵	پ
۴۳	ت
۵۱	ث
۵۵	ج
۶۱	چ
۶۷	ح
۷۳	خ
۸	د
۹۳	ذ
۹۹	ر
۱۰۵	ز

۱۱۳	ز
۱۱۷	س
۱۲۵	ش
۱۳۱	ص
۱۳۷	ض
۱۴۱	ط
۱۴۷	ظ
۱۵۱	ع
۱۵۷	غ
۱۶۳	ف
۱۶۷	ق
۱۷۳	ک
۱۸۱	گ
۱۸۷	ل
۱۹۳	م
۲۰۱	ن
۲۰۷	و
۲۱۱	ه
۲۱۹	ی
۲۲۵	منابع و مأخذ

پیش‌گفتار

غیر از هنر که تاج سر آفرینش است
دوران هیچ منزلتی جاودانه نیست

صاحبان ذوق و قریحه به خوبی می‌دانند مفاهیم و مضامینی را که شعرا در قالب نظم سروده‌اند، برخی از ابیات آنان به قدری دارای لطافت و بداهت است و ذهن انسان را تحریک می‌کند که وصفش از حیطة افظ و کلام بیرون است و هیچ وقت نمی‌توان حق مطلب را ادا کرد و به صفحه کاغذ آورد. آنچه که از مضامین ابیات پرمغز بزرگان ادب بر جان می‌نشیند، وجد و نشاط و مستی فزاینده‌ای است که در درون و روحیات آدمی ایجاد می‌شود.

تصور نمی‌رود این نکته به توضیح بیشتری نیاز داشته باشد، چون دوستداران شعر و ادب کم‌وبیش به این مسأله برخورددهاند که گاه پس از خواندن بیتی از اشعار بزرگان و

پس از مختصر تأملی در لطافت صورت و معنی آن، از گفتن مفهوم و بیان آن به طور کامل فرو مانده‌اند و بی‌اختیار عظمت ادراک و باریک‌بینی سراینده را ستوده‌اند.

یکی از شیرین‌ترین و خواندنی‌ترین زمینه‌های پژوهش، گردآوری اشعار بزرگان علم و ادب است. وقتی انسان به سراغ جمعه‌آوری ابیات پر مضمون، در پهن دشت سخن فارسی می‌رود لذت حاصل از این مطالعه چنان است که هرگز موجه در مان نخواهد شد. به سخن دیگر مهم‌ترین ویژگی انجم چنین کارهایی این است که نه تنها برای نویسندگان مدرنی در بر دارد، بلکه آرامش و صفائی دلپذیر نیز بدو می‌بخشد.

به هر روی بر آن شده‌ایم، مجموعه‌ای بر اساس ابیات رایج در مشاعره‌ها - که توسط روستاها ذوق به مناسبت‌ها و برنامه‌های مختلف تکرار و خوانده می‌شوند - با قید نام شاعران آنها و به صورت الفبایی تدوین کرده و هدف از این کار، تدوین مجموعه‌ای است برای بهره‌برداری اهل ذوق و کسانی که قصد مشاعره در محافل ادبی دارند. «سراغ اشعار» بر پایه ذوق و سلیقه گردآورندگان است و «اختیار المرء» عنوان عقله. باشد که این اشعار موافق حال و کار خوانندگان افتد.

در پایان، از استاد ارجمند جناب ایرج کاظمی که با مقدمه‌ای
جامع برگی زرین بر این مجموعه افزودند و تمامی کسانی که
ما را در این کار همراهی نمودند، کمال سپاس و تشکر را
داریم. سخن را با این بیت ادیب نیشابوری به پایان
می‌رسانیم:

هر آنکس ز دانش بُرد توشه‌ای
جهانی‌ست بنشسته در گوشه‌ای

بهار ۱۳۹۵

فریبا حمزه - مسعود فرج‌الهی

شاعره هنری خاص در دنیای شعر و شاعری

به شعر حافظ شیراز می خوانند و می رقصند
سه چشمان کشمیری و ترکان سمرقندی

(حافظ)

شعر چیست؟ این پدیده را اش و نشئه آوری که از عمق درون و سویدای دل شورآفرینان به بیرون سخن اوج می گیرد و کام شیفتگان و عاشقان دنیای شعر و ادب را سیراب می کند، از چه زمانی به وجود آمد و عوالم و حضور اکثر خود را نشان داد تا ما ادبیات جهان و ایران را با آن بشناسیم. امروز وقتی از بیگانه ناآشنایی می پرسند می دانی که ایران کجاست؟ یا درنگ می گوید همان سرزمینی را می گوئید که شاعری به نام حافظ دارد؟ و این سخن بجایی است، درست هم می گویند چرا که بزرگان هر ملت چه شاعران و چه عالمان و فرهیختگان و نامآوران به حق و به نوعی شناسنامه به حساب می آیند.

مردم امروز سرزمین افسانه‌ای یونان را با هومر و ایلیاد و اودیسه‌اش، افلاطون را با کتاب جمهوریت او و سقراط را با اندیشه‌های جهانگیرش و ارسطو را در هیئت و منظر معلم اول می‌شناسند؛ و سرزمین و دیار پُراز و رمز ما یعنی همین ایران را با فردوسی‌ها و سعدی‌ها و مولوی‌ها در جهان می‌شناسند و این نقش شعر است در هویت‌شناسی‌های قومی که بیش از هزار سال است بر تالک ادبیات درخشان ملت ما می‌تابد. امروز سابقه و هویت سعدی ما، دو دوره خاص بر می‌گردد. دوران قبل از اسلام و بعد از اسلام. شعر دوران قبل از اسلام سابقه آن چنانی و زمانبری که شعر دوران اسلامی داشته و دارد، در کتاب‌ها و تذکره‌ها نشان نمی‌دهد. رافعی، این است که از قرن دوم هجری و ظهور چند تن شاعر نظیر خطله بادغیسی، ابوسلیک گرگانی، فیروز مشرقی، طلایه‌داران آغازین ادبیت ادبی یا طلوع شعر پارسی به حساب می‌آیند. هر چند شعرهای این بزرگان پیشگام، آن عظمت و غنای شعر فردوسی و رودکی، مولوی و حافظ و سعدی را ندارند، اما همین که کلید و مفتاح دروازه‌های بسته این سرای کهن بوده‌اند کافی است که مردم نام آنان را در صفحه دل و اندیشه خود قرار دهند. شعر دوران قبل از اسلام را باب آن روزگار با کتاب‌هایی چون یادگار زریران، درختان آسوریک، کارنامه اردشیر بابکان و چندین اثر دیگر محاسبه می‌شود و باز آثاری نظیر ارداویرافنامه و وندیداد که معرف شعر گذشته بوده‌اند

ساختار وجودی آنان در حالت‌های خاص امروزی نظیر وزن،
 قافیه، ردیف و موارد دیگر عاری و به دور بوده است. شعر پارسی
 از زمانی که دردوران اسلامی خود را مطرح ساخت به تأثیر از
 شعر و ادب عرب رنگ و بوی خاصی را پذیرفت. بر آن شیوه و
 روال حرکت کرد منتهی خصلت‌ها و هویت‌های ملی خود را در
 آن وارد کرد. قالب‌هایی چون غزل، قصیده و دیگر شیوه‌ها و
 محور مختلف به تدریج و آرام‌آرام به شعر پارسی قوام، نظام،
 حالت و قانون بخشید. شناسنامه‌دار شد و مرزهای شناخته و
 ناشناخته را در نور، ید و معرف هویت فرهنگی ملتی بیدار دل
 چون ایران سینه این شعر فارسی که از آن سخن می‌گوییم؛ از
 همان اوایل قرن دوم شناسنامه‌دار شد و مبتنی بر یک سری
 قواعد به نام عروض و مقصر با نمونه بحر عروضی که هر کدام
 از این بحرهای خاص تابع قاعده و شناسنامه خاصی است که با
 نمونه دیگر خود متفاوت است. در این راه، رنگانی چون شمس
 قیس رازی در کتاب معروف خود به نام «الاشعار العجمی فی معاییر
 اشعار العجم» برای شعر قاعده و ضابطه تعیین کرد. به تا زمان
 شخصیتی چون علی اسفندیاری معروف به نیمایوشیج که پدر
 شعر "نو" لقب گرفته است پایدار بود و هنوز هم هست و پیروان
 شعر سنتی بر آن مسیر و راه طی طریق می‌کنند، و همچنین
 بزرگان دیگری نظیر خواجه نصیرالدین طوسی در کتاب

معیار الاشعار به این قاعده و قانون هم بهای بیشتری دادند و هم متمم‌هایی به آن افزودند.

شعر به دلایل فراوان و جاهت و اعتبار فراوانی در قلمرو ادبیات ایران دارد، هر چند از هنر و توانایی‌های نویسندگان در قالب آفریده‌های خود به نام حوزه نثر و نگارش، تاریخ و داستان و انواع آن که مؤید اعتبار هنری به نام نثر و نوشتن و نویسندگی است نمی‌آورد بی تفاوت گذشت. قرآن ما، کلام آسمانی ما در حالی که نثر قاصر و بی‌بدیل جهان اسلام است و هم‌تا و تعالی برای آن منصرف نیست اما گاه حالت‌های شعرگونه‌ای را در بر دارد. بعضی آیات و شعر قرآنی حالت و وزن و آهنگ خاص خود را که به حوزه شعر نزدیک است در سرتاسر سوره‌های شریف گویا و پویا نشان می‌دهد. الم شرح لک صدرک خود بر حَسَب قاعده عروضی در بحر هزج یا تقطیع مفاعیلن مفاعیلن، مفاعیلن تقطیع می‌شود یا آیه لیسَ الانسان ما شِعْری در بحر رمل با تقطیع فاعلاتن، محاسبه می‌شود و همین امر علت و اعتبار شعر را دو چندان می‌کند تا جایی که در قلمرو جهان اسلام شعر را حکمت می‌خوانند: لَأَنَّ شِعْرَ حِکْمَةٍ ...

در شعر و دنیای آن نوعی حُسن استفاده به عمل آمده است و قالب‌های خاصی از آن با کاربرد ذوق انسان‌های با سلیقه اعمال شده است. نوعی شعر به نام بحر طویل تا نوعی ابداع و ابتکار به اسم مشاعره که این یکی عوالم خاص خود را دارد که

امروز در قالب یک هنر و نمایشگر حافظه ممتاز انسان‌ها از آن یاد می‌شود. واژه مشاعره لغتی است عربی و مصدر باب مفاعله است. ریشه لغوی آن "شعر" است که معادل کلمه احساس است و حسی که در فرد به وجود می‌آید و نام شاعر بر وی اطلاق می‌گردد. معمولاً حسی که یک شاعر دارد با دیگر افراد متفاوت است. او از هر پدیده نوظهور و هر چیزی که انسان را در حالتی خاص از دقایق هوشی و ذهنی قرار می‌دهد و بر مبنای حالت و نکتی می‌سازد و به آن رنگ و بویی می‌دهد که از قدرت و حسامیری، بی‌ری به دور است. شاعر در حقیقت یک هنرمند است. او وقتی می‌تواند احساس خود را که دیگری از بیان آن عاجز است در قالب کلماتی بی‌با، معنی‌دار، پراحساس بیان کند طبیعی است که شنونده و مخاطب خود را تحت تأثیر قرار می‌دهد و این خود هنری والا، تم نظیر است، و ما نام این حس را شعر و آفریننده آن را شاعر می‌نویسیم و نام دیگر وی را که با هنری چنین والا آمیخته شده هنرمند می‌نویسیم. ما خلق و پیدایش مشاعره را که دو نفر یا چند نفر در کنار هم قرار گرفته و به کمک شعر ساعت‌ها هم خود و هم دیگران را سرگشته و گاه به اعجاب و تحیر از قدرت حافظه شگفت‌زده می‌شود، می‌دانیم از چه زمانی است. ملت ما یعنی ایرانی‌ها به حق مُبدع و مخترع و به هنرآفرینی مشهورند و دنیا آن‌ها را با همین صفت می‌شناسد حافظه انسان‌ها با هم متفاوت است. گاه کسی نام

دوستان و آشنایان و افراد وابسته به خود را هم فراموش می‌کند و از حافظه خود به خاطر همین امر یا سایر موارد گله‌مند است و در مقابل فردی پیدا می‌شود که اجداد و انساب یک نسل را نفر به نفر تا دوران معاصر می‌شناسد و نام می‌برد. امروز در دنیای اسلام بوده و هستند فراوان افرادی که حافظ همه سوره‌ها و آیات شریف قرآنی بوده و نام ارزشمند حافظ قرآن بر پیشانی آن‌ها می‌درخشد بسیار کسانی بوده‌اند که دیوان یک شاعر را در حافظه داشت‌ه‌اند در دنیای عرب کسانی بوده‌اند که حافظه آنان ضرب‌المثل تاریخ بوده است نظیر فردی به نام عُتْبَه و فرد دیگری به نام رُویه، راوی شعر عرب مشهور و معروف است. شاعران دوره جاهلیت عرب نیز از این قدرت حافظه برخوردار بوده‌اند نظیر امرؤ القیس شاعر معلقات، خُطِیه، کَعْب بن زُهَیر، زُهَیر بن ابی سلمی و چند تن دیگر. اما کار مشاعره مستقیماً در اختیار ایرانیان بوده است که تاریخ آغاز یا شروع و موجودیت کلامی آن نامشخص است و هنوز کسی نتوانسته است با قاطعیت مبتکر، آفریننده یا آفرینندگان آن را مشخص بداند و معرفی کند، نظیر خیلی چیزهای دیگر که سال‌هاست سال به مردم پوشیده و مکتوم مانده است و هنوز کسی از واقعیت آن اطلاع حاصل نکرده است نظیر برخی ابیات یا تک بیت‌هایی که بسیار زیبا و پر از احساس و طراوت است اما خالق آن نامعلوم است و امروز در حوزه شعرشناسی به نام (لادری) معروف است.

و اما شکل مشاعره هنگامی از قالب معمولی خود بیرون آمد که با ورود رادیو به ایران و حضور شاعران در این دستگاه شناخته شده به یاد دارم که نخستین فردی که از سال‌های بعد از دهه سی به مشاعره و هم‌آوردطلبی در این کار روی آورد مرحوم مهدی سهیلی شاعر، پژوهشگر و شعرشناس ایرانی است که آثار زیادی در کار معرفی شاعران و هنرمندان این عرصه دارد. او در رادیو تهران سابق این باب تازه را گشود و شب‌های یکشنبه را به حضور مشاعره‌کنندگان و رقابت آنان قرار داده بود و خود به عنوان حاکم و داور درباره کار آنان اظهار نظر می‌کرد و صحت و سقم‌ها را با نظر کارشناسی آن هم به صورت قاطع و بسیار آگاهانه مورد بررسی قرار می‌داد. برنامه وی طالبان فراوانی داشت و همین امر خیلی‌ها را به فکر آورد. غرض در دیوان شاعران و به حافظه سپردن اشعار آنان از آن جهت که بعدها کتاب‌هایی در همین زمینه و همین راستا تألیف و تصنیف شد. بعد از مرحوم مهدی سهیلی، شاعر و ترانه‌سرای معروف زمانه، یحیی اسماعیل نواب صفا هم به این کار رنگ و بوی تازه‌ای داد و با نامزدار وی هم آرشو زنده و مفتنم رادیو ایران است که صدها برنامه ضبط شده گذشته در آن موجود است. کسی که مشاعره می‌کند علاوه بر حافظه قوی حضور ذهن و تمرکز باید از هوش سرشار و مطالعه مستمر در دواوین شاعران متقدم و متأخر نیز بهره‌مند و بهره‌گیر باشد. شعرهایی که بیشتر در مشاعره به کار می‌رود در حوزه

غزل است. کمتر مثنوی و دیگر انواع شعر مثل قصیده، مستزاد، مسمط و مسدس در این رشته و این هنر مورد استفاده قرار می‌گیرد. بسیاری از ابیات که حرف آخر آن‌ها به صورت خاصی نظیر (عین - غین - ض - ظاد - قاف) می‌خورد کمتر در حافظه شاعره‌کنندگان باقی می‌ماند و شاعران سازند و آفریننده آن‌ها هم کمتر به سراغ چنین واژه، حرف‌ها و قوافی مشکل رفته و می‌روند. روز قدرت حافظه جوان‌ها و حتی نوجوانان به مراتب از افراد میان‌سار و سالمند با همه تجارب و گستردگی اطلاعات بیشتر است. آن‌ها به اعتبار شادابی، طراوت، سرزندگی و قدرت پذیرش به طوری که به برنامه‌های مشاعره صدا و سیما دیده می‌شود حرف اول را می‌زنند. گاه انسان را در حیرت و سرگستگی از این قدرت حافظه و در کنار آن تمرکز ذهن و گاه انتخاب ابیات بسیار زیبا و شیرانگیز باقی می‌گذارند که در همین جا باید دست‌مریزادی از بن جان همه آن‌ها و هم به متولیان و کارگزاران این هنر و این امر نثار کرد. در این جا با تحریف و عذرخواهی از خواجه شیراز که این بیت وی را دستکاری کرده‌ایم می‌گوییم:

شاعران نقطه پرگار وجودند ولی
عشق دانست در این دایره سرگردانند

بهار ۱۳۹۵

تهران - ایرج کاظمی